

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد      بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان

## حاجی زرنګ

سر ما حاجی کرده کلنگ  
به مثل ببر و گفتار و پلنگ  
نوشته از فراق و سوز هجران  
به وصل گلرخان انداخته چنگ  
سروده نقدک مرچ و نمکدار  
که داره با من بیچاره جنگ  
سپاه طبع خود آماده کرده  
به دست هریکی، توپ و تفنگ  
عجائب کودتا و انقلابی  
نموده حضرت حاجی زرنګ  
گهی رفته به صحرا پشت مجنون  
گهی از مهر لایلا خورده سنگ  
نوشته طعنه با تلوار گفتار  
به روی صفحه تدبیرتنگ  
ولاکن تیغ حرفش، سوی بنده  
ز پندش جام ما، پر از شرنګ  
ندانم از چه با من لج نموده  
نژنگ و ینگ منگش بوده ونگ

به هر شهری که رفتم ، نیز رفته  
به هم‌رای شراب و چرس و بنگک  
نموده میلِ پودر ، بی‌تحمل  
چو تریاکی ، بسی لنگان و لنگک  
گهی شیخ و گهی مفتی و قاضی  
گهی صوفی و گه ملا ملنگک  
چه آهنگِ بدیعی ، ساز کرده  
به رقص آورده دل بی‌تار و چنگک  
ولاکن ، شاعرِ شیوا بیانست  
نوشته پاسخم را ، بی‌درنگک  
ردیف و قافیه از ما گرفته  
بِکُوبیده همه را در اونگک  
خمیرش کرده با دستِ صداقت  
زواله های چیده ، بر تبنگک  
تنورِ وحدتی ، آتش نموده  
ز غیرت پُخته نان و آشِ ننگک  
به رویِ سُفرهٔ فرهنگ ، چیده  
که نوشِ جان کند ، هر شوخ و شننگک  
وَ خود نا خورده ، بسکه مست گشته  
گرفته بیل و خفته در پِشننگک  
خبر شد تا ، ز جریان ، خامهٔ من  
به جولان آمد و ، قی کرد رنگک  
وطن گم کرد و ، چون ما در بدر شد  
اجیرِ مفتی ، در ملکِ فرننگک  
بیا « نعمت » سرودِ عشق سرکن  
نه حرفِ مفت و زشت و نه جفنگک